



• شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۳۹

#### حدیث روز

امام جواد(ع): به دل آهنگ خدا داشتی، بر تر است تا خسته کردن جوارح به عبادت .  
بحارالانوار

ذکر روز شنبه  
صد مرتبه «یا رب العالمین»

#### آیات نور

سوره الرحمن (۴)

### سخن گفتن، یکی از بزرگ ترین نعمت هاست

منظور از این که فرمود: «علمه البیان» این نیست که خدای سبحان لغات را برای بشر وضع کرده و سپس به وسیله وحی به پیغمبری از پیامبران یا به وسیله الهام به همه مردم، آن لغات را تعلیم داده باشد. برای این که خود انسان بدان جهت که به حکم اضطرار در ظرف اجتماع قرار گرفت، طبعاً به اعتبار تفهیم و تفهم وادار شد. نخست با اشاره و سپس با صدا و در آخر با وضع لغات، یعنی با قرارداد دسته جمعی به این مهم خود پرداخت و این همان تکلم و نطق است که گفتیم اجتماع مدنی بشر بدون آن تمام نمی شد. کوتاه سخن این که بیان قدرت بر سخن؛ از اعظم نعمت و آلائی ربانی است که برای بشر موقف انسانی اش را حفظ نموده، به سبوی هر خیری هدایتش می کند.

تفسیرالمیزان

#### داستانک

### مرد واقعی!

زن و شوهری هندی سر راه خود به رودخانه ای رسیدند. عرض رودخانه زیاد بود و پل را هم سیل با خود برده بود. زن گفت تو چمدان را بردار، من بچه را بغل می کنم و در کنار هم از رودخانه عبور می کنیم. مرد پای به آب زد و فوراً پایش را پس کشید، گفت: نمی شود رد شد، آب ما را می برد. زن گفت: ارتفاع آب آن قدر هم بالا نیست. ولی شوهر مخالفت کرد. از زن اصرار و از مرد انکار.

دست آخر زن چمدان را برداشت، وارد رودخانه شد و تا وسط آن پیش رفت. به عقب برگشت و گفت: آب کمی بالاتر از زانوست، می شود رد شد. مرد از جایش تکان نخورد. زن به آن طرف رودخانه رفت و برگشت بچه را بغل کرد و به شوهرش گفت: بلند شو، با هم می رویم. مرد گفت: آب مرا خواهد برد. زن به ناچار بچه را هم به آن طرف رودخانه برد و بازگشت. باز از زن اصرار و از مرد انکار. بالاخره مرد راضی شد تا روی دوش زن سوار شود و از رودخانه بگذرد. زن این بار به سختی از عرض رودخانه عبور می کرد، وسط رودخانه که رسیدند، قدری ایستاد تا نفسی تازه کند. خطاب به شوهرش گفت: خیلی سنگینی...! مرد بادی به غیغ انداخت و گفت: خب معلومه، ناسلامتی من مرد هستم!

#### اندکی صبر

### تهناتر...

مرتضی حاجی آقاجانی

تهناتر شدم از وقتی که زمستان رفت و تو پر کشیدی... آدم برفی!



#### دنیا به روایت تصویر



بارکرافت ایمیج | برگزاری نمایشگاه لباس های سنتی، چین

#### پند نیکان



#### از اون لحاظ

### پر تاب گوجه غیرفرنگی و تخم مرغ به تیم ملی اسپانیا

#### دانش سامان

همیشه که نمیشه دور هم بگیم و بختدیم و شاد باشیم، بذارین امروز به کوچولو برعکس کار کنیم و اخبار غمگین رو بررسی کنیم. اولیش این که برنامه «ماه عسل» از ۲۷ اردیبهشت پخش میشه! اشک تون دراومد؟ متاثر شدین؟ اگه نشدین به خیر دیگه دارم که تضمینی دل سنگ رو آب می کنه، ما که دیگه بشر هستیم و دلمون از گوشته! جناب تاج هستن که کلا هستن؟ گفتن: «با کی روش در حال مذاکره هستیم، کی روش ناراحت نیست و قرار است تیم ملی را به بهترین شکل، راهی جام جهانی کنیم.»

خب چرا باید از این خبر ناراحت بشنیم؟ اول این که در حال مذاکره با کی روش هستن! یعنی احتمالاً میخوان با کی روش برای بعد جام جهانی تمدید کنن تا کارلوس خان بتونه برای هفت سال دیگه ماهی یک بار استعفا بده!

بعدش گفته کی روش ناراحت نیست، این که تیم ملی لباس درست و حسابی نداره، بازی تدارکاتی نداره، تمرین نداره، هیچ کدوم باعث ناراحتی کی روش نیست، یعنی پولش رسیده و قراره تا چند وقتی که کنفیرش به ته دیگ نخورده، قربون صدقه قدراسیون بشه.

از همه مهم تر استاد تاج فرمودن قرار است تیم ملی را به بهترین شکل راهی جام جهانی کنیم. این خیلی مهمه، چون بقیه کشورها تیمشون رو با بدترین شکل راهی جام جهانی می کنن و پای پله های فرودگاه با گوجه فرنگی که واسه اونا گوجه داخلیه و تخم مرغ گندیده، بازیکنانشون رو می زنن اما قراره تیم ملی ما دسته گل و کت و شلوار یک دست به بازیکن ها بده تا راهی جام جهانی بشن.

فوقش مثل دفعه قبل شلوارها برای بازیکنان قد بلند مثل بیرانوند و طارمی کوتاهه و برای بازیکنان کوتاه قد بلند و مجبور به تا زدن پاچه شلوار میشن. وای کی بشه این استرس لعنتی بازی با اسپانیا و پرتغال تموم بشه.

#### سه نقطه



گتی ایمیج | کارگری در حال تفکیک زباله های پلاستیکی، هندوستان

#### شبکه های اجتماعی

\* پیامک اومده تور جام جهانی روسیه ۱۲ شب ۱۸ میلیون تومان. داداش من اگه ۱۸ میلیون پول نقد تو حسابم بود که به سازمان ملل اعلام استقلال می کردم!
\* مامی قهمیم زمانی که شما پشت فرمون نشستید، بارون میزنه و آهنگ مورد علاقه تون رو گوش می دید، واقعاً احساس خوبی دارید. ولی با استوری منتقل نمیشه!
\* منو برگردونین به اون دورانی که تو پارک سُرسُره رو برعکس بالا می رفتیم...!
\* جمله هر اومدنی یه رفتنی داره رو فامیل های ما وقتی میان خونه مون مهمونی، نقض می کنن!
\* رفتیم آشغال ها رو بنذازم تو سطل آشغال، گوشیم دستم بود، اشتباهی گوشی روانداختم. پریدم تو سطل آشغال دنبال گوشیم، هر کی از جلوم رد می شد می گفتم پسر فلانیه ها، بین بعد از هفت سال درس خوندن کارش به کجا رسید!
\* نوشته سیلوستر استالونه از لاک پشت هایی که ۴۲ سال پیش تو فیلم راکی استفاده شده، هنوز نگهداری می کنه. داداش لاک پشت ۳۰۰-۲۰۰ سال عمر می کنه، در اصل اونا هستن که سیلوستر استالونه رو پیش خودشون نگه داشتن!
\* پیراهن تیم ملی تو خونه هر ایرانی قابلیت رونمایی شدن داره!
\* خیلی دوست دارم همه اش از جمله «حتی شوخیش هم خوب نیست» استفاده کنم، ولی همیشه شوخیش هم خوب بوده!

#### دور دنیا

### هنر نمایی با چای



تاکسل - یک هنرمند روسی، با استفاده از ترکیبی از انواع مختلف چای، آثار بسیار زیبایی را به وجود آورده است. او تصاویر زیبایی را با چای طراحی می کند اما این آثار هنری را هیچ گاه نمی تواند مانند تابلو از در دیوار خانه اش آویزان کند و برای دیدن عموم، در گالری به نمایش در آورد!

### تمرین جیغ زدن در مدرسه!



**گینس** – دانش آموزان مدرسه ای در انگلستان به تازگی هر روز تمرین جیغ زدن و داد و فریاد زدن می کنند! آن ها به همراه معلم شان موفق شده اند چندر کورد گینس را با عنوان بلندترین صدای جیغ ثبت کنند. «آنالیزا برین» دختر نوجوانی است که با یک جیغ گوش خراش ۱۲۱ دسی بلی، رکورددار این مدرسه است. صدای جیغ او به اندازه صدای موتور جت است!



نشنال جنوگرافیک | بندبازی بر روی دریای توفانی

#### تفال

کلبن عیش می دمد ساقی گلندار کو  
باد بهار می وزد باده خوشگوار کو  
گوش سخن شنو کجا دیده اعتبار کو

#### افسانه های نوین

### شاهزاده دلیر و دختر سر به زیر وزیر



**علکساندر کاروبر اتور** |مورخ و مولف

در زمان های قدیم، شاهزاده ای عاشق دختر وزیر شد. آن زمان این طوری نبود که دختر توی بیوی اینستایش بنویسد «شوшوی من کو؟» و صد و بیست نفر هم کامنت بگذارند: «من این جام، میو میو!» شاهزاده توانست از وزیر اجازه بگیرد تا در باغ کاخ، دخترش را ببیند. البته روایتی هم هست که وزیر عصبانی شده و در نتیجه با یک حرکت سرش به آن سبوی باغ شوت شده بود ولی چون افسانه های ما پایان خوشی دارند، این روایت را تحویل نگرفته و این طوری تصور می کنیم که وزیر با کمال میل و با آرزوی این که پدر زن شاهزاده بشود، با دیدار دخترش و شاهزاده در باغ، مقابل دیدگان نگهبانان موافقت می کند.

پسر که به دیدار دختر رسید، رو به وی گفت: «من دلباخته شما شده ام...» دختر که سرش را پایین انداخته و لب هایش گل انداخته بود، افزود: «زیباتر از من، خواهر من است که پشت سر شما ایستاده است». شاهزاده فکر کرد این کلک دختر است و می خواهد میزان عشق پسر را بسنجد، برای همین خودش را کنترل کرد تا به پشت سرش نگاه نکند، سپس افزود: «ولی من شما را می خواهم که این قدر باهوش هستید.» دختر همان طور که سر به زیر انداخته بود، افزود: «ایلق منق تفق...» پسر متوجه حرف های وی نشد و افزود: «حالا یک کم سر به زیر پرت رو کم کن و سرت رو بالا بپار بفهمم چی میگی!» دختر سرش را بالا آورد و افزود: «باهوش تر از من دختر خاله من است که پشت سر شما ایستاده...» شاهزاده باز هم به عقب برگشت و افزود: «ولی من شما را به خاطر هنرهایتان می خواهم». دختر باز هم افزود: «هنرمندتر از من دختر عمه ام است که پشت سر شما ایستاده...». شاهزاده باز هم به عقب نگاه نکرد و افزود: «بسی می کنی این مسخره بازی ها رو؟ زنم میشی یا نه؟» دختر من من کنان افزود: «بالاخره بزرگ ترها... بعله...» همه دربار شروع به هلهله کردند و شاهزاده خوشحال خواست به کاخ برود تا مقدمات ازدواج را فراهم کند که دید سه دختر زیبا، باهوش و هنرمند پشت سرش ایستاده اند. ولی به خاطر این که دختر وزیر راستش را گفته بود، بیشتر از وی خوشش آمد و توی رو در بایستی ماند و با هم ازدواج کردند و سال های سال به خوبی و خوشی زندگی کردند. ولی از آن لحظه تا هنگام مرگ، شاهزاده دچار تیک عصبی شده بود و هر سی ثانیه یک بار به پشت سرش نگاه می کرد!

#### نیم دقیقه ای

### پسر عوضی!



ترجمه و تصویرسازی:فرانکس بالوتی، سعید مرادی

یک روز من بیمار بودم و قرار بود شوهرم، پسرمان را از مهد کودک به خانه بیاورد. وقتی به خانه رسید با ناراحتی گفت: «این بچه از همون لحظه تا الان دایم گریه می کرد، اعصابم رو به هم ریخت.» و بعدش پرسید: «مطمئنی از تو بیماری نگرفته؟!» به بچه نگاه کردم و در حالی که داشتم شاخ درمی آوردم به همسرم گفتم: «این بیچاره تمام مدت می خواسته بهت بفهمونه که پسر ما نیست!»

#### ما و شما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و هر ایده بامزه و جالب خود را به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ یا شماره ۹۰۱۸۳۷۴۱۸۴ در پیام رسان اتا بفرستید.

\* درباره پرونده «در مورد عشق»، باید گفت هیتلر خود کشی نکرده بلکه تا سال ها بعد زنده بود. خودتون هم در زمان(عج) همسرتان امین \* از خدای مهربان متشکرم که روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۸ فرزندی صالح و خوب به من هدیه کرد. آرش جان بهترین، چهارمین و آخرین انگیزه زندگی ام، تولدت مبارک.
\* زهرای عزیزم تولدت مبارک. ان شاء... عاقبت به خیر بشی در پناه امام
\* محمدحسین جان، همسر فداکارم، تولدت را تبریک می گویم و از خداوند منان برایت طلب تندرستی می کنم. امیدوارم زودتر خوب شسوی و به خانه برگردی تا سایه ات بر سر من و امین باشد.
\* خدا را شاکریم که باز هم درهای رحمت و نعمت را بر روی مان باز کرد و باران شادی آفرینش را بر ما باراند...
\* اصلا این بچرام که میکن چی هست؟!
\* به مسابقه جدید به جای خفن استریپ بذارین خبا!